

اعدام خائن‌ان توسط حماس در غزه

رویدادهای اخیر در غزه - اعدام همکاران توسط حماس - بار دیگر بحث‌های شدیدی را در رسانه‌های جهانی و پلتفرم‌های اجتماعی برانگیخته است. پس از این اقدامات، الگویی آشنا پدیدار شده است: مفسران همسو با روایت‌های حسابه به سرعت فلسطینی‌ها را به عنوان «غیرمتمدن» محکوم می‌کنند و خشم اخلاقی خود را به سوی حامیان فلسطینی هدایت می‌کنند که چرا این اعدام‌ها را با شدت مشابه محکوم نمی‌کنند. این اتهامات جدید نیستند - آنها بخشی از استراتژی گسترده‌تری برای مشروعیت‌زدایی از مقاومت فلسطینی و منحرف کردن توجه از خشونت نامتناسب و سرکوب سیستمیک تحمیل شده بر غزه و جمعیت گسترده‌تر فلسطینی هستند.

تاریخچه مختصر خیانت

در هر جنگی در طول تاریخ، دولت‌ها به دنبال جذب همکاران بوده‌اند - افرادی که مایلند به ازای پول، قدرت یا بقا به طرف خودشان خیانت کنند. از مقاومت فرانسه و خبرچین‌های نازی در جنگ جهانی دوم، تا عملیات نظامی ایالات متحده در عراق و افغانستان، و تا اشغال فلسطین توسط اسرائیل، منطق یکسان باقی می‌ماند: اطلاعات سلاحی قدرتمند است و خیانت قیمت آن است. غزه نیز استثنا نیست. با این حال، واکنش‌ها به به اصطلاح «خائن‌ان» در این زمینه از طریق یک لنز به خصوص سمی و ریاکارانه فیلتر می‌شوند.

انتخاب قابل توجه خائن‌ان

پس از پیام‌رسانی عمومی بی‌پایان درباره «بازگرداندن گروگان‌ها به خانه» و «گرسنگی ندادن به غزه»، ممکن است انتظار داشته باشید که اسرائیل اولویت را به یافتن متحدان برای کمک به بازگرداندن گروگان‌ها اختصاص داده باشد. اما واقعیت به یک برنامه متفاوت اشاره دارد. اسرائیل از یک گروه جنایتکار به نام «نیروهای مردمی» به رهبری یاسر ابو شهاب حمایت کرد. این گروه مسئول غارت کاروان‌های کمک‌رسانی و بافروشی مواد غذایی در بازار سیاه غزه به قیمت‌های گزاف بود. همه در غزه و بسیاری در خارج از آن می‌دانستند که یاسر ابو شهاب توسط قبیله بادیه‌نشین خود طرد و اخراج شده بود، که او و گروهش را قانون‌شکن اعلام کرد.

این موضوع تناقض اصلی در روایت حسابه را آشکار می‌کند - ادعای اهمیت دادن به گروگان‌ها و انکار استفاده از گرسنگی به عنوان سلاح - در حالی که همزمان از همکاران جنایتکار حمایت می‌کند که دست‌آورد اصلی آنها دزدیدن غذا از مردم خودشان بود.

خیانت و مجازات

هر کشوری، بدون توجه به ایدئولوژی یا جغرافیا، خیانت را یکی از سنگین‌ترین جرایم ممکن می‌داند. در زمان جنگ، خیانت به مردم خود می‌تواند عواقب مرگباری داشته باشد - نه تنها برای ارتش‌ها و دولت‌ها، بلکه برای غیرنظامیانی که زندگی‌شان به همبستگی شکننده جامعه‌شان وابسته است. به همین دلیل، تقریباً قوانین کیفری و نظامی هر کشوری مجازات‌های

شدیدی را برای خائنان تعیین می‌کند، که اغلب شامل حبس ابد یا اعدام است. تاریخ پر از نمونه‌هاست. از برخورد اروپا با همکاران نازی پس از جنگ جهانی دوم تا اعدام جاسوسان در طول جنگ سرد، دولت‌ها همواره تقدس وفاداری را با مجازات‌های سخت دفاع کرده‌اند.

حتی در کشورهایی که از مجازات اعدام فاصله گرفته‌اند، خیانت همچنان جایگاه ویژه‌ای در سلسله‌مراتب جرایم دارد - اغلب یکی از آخرین جرایمی است که هنوز واجد شرایط مجازات اعدام است. در ایالات متحده، قانون فدرال همچنان اجازه اعدام برای خیانت را می‌دهد. در هند، پاکستان، و بنگلادش، خیانت و جرایم مرتبط با «جنگ علیه دولت» همچنان جرایم قابل مجازات با اعدام هستند. همین موضوع در کشورهایی مانند چین، کره شمالی، ایران، و عربستان سعودی صدق می‌کند، جایی که مجازات اعدام به طور منظم برای اتهامات سیاسی یا جاسوسی اعمال می‌شود. حتی در سنگاپور و مالزی، خیانت می‌تواند به طور قانونی مجازات اعدام را به دنبال داشته باشد. بسیاری از دولت‌های سراسر جهان همچنان معتقدند که خیانت به کشور جرمی چنان سنگین است که می‌تواند مجازات نهایی را توجیه کند.

و با این حال، وقتی فلسطینی‌ها همکاران را مجازات می‌کنند - افرادی که متهم به جلوگیری از رسیدن کمک‌های بشردوستانه به جمعیت گرسنه هستند - آنها نه به عنوان مردمی که از خود دفاع می‌کنند، بلکه به عنوان اوباش بی‌قانون که از روی وحشیگری عمل می‌کنند، به تصویر کشیده می‌شوند. همان ناظرانی که از مجازات سخت یک خائن در کشورهای خود حمایت می‌کنند یا آن را می‌پذیرند، وقتی فلسطینی‌ها برای حفاظت از خودشان اقدام می‌کنند، خشم اخلاقی ابراز می‌کنند.

قانون نظامی و ریاکاری

برخی از مبلغین حسابه اکنون می‌گویند که همکاران ادعایی در غزه باید محاکمه عادلانه‌ای داشته باشند. این یک نکته گفت‌وگوی مناسب است، به ویژه برای کسانی که مشتاقند فلسطینی‌ها را به دلیل واکنش به خیانت در میانه جنگ به عنوان غیرمتمدن به تصویر بکشند. اما این عمداً واقعیت موجود را نادیده می‌گیرد: در غزه دیگر سیستم قضایی کارآمدی وجود ندارد. پس از کمپین تخریب اسرائیل، هیچ دادگاهی، هیچ سلول زندانی، و به احتمال زیاد هیچ قاضی یا دادستان زنده‌ای وجود ندارد. محله‌های کامل با خاک یکسان شده‌اند. وزارتخانه‌ها، ایستگاه‌های پلیس، دادگاه‌ها - همه از بین رفته‌اند. نهادهایی که به طور معمول تحقیقات کیفری و روندهای قانونی را مدیریت می‌کنند، به خاکستر تبدیل شده‌اند. در چنین شرایطی، تقاضای محاکمه در دادگاه نه تنها غیرواقع‌بینانه است - بلکه غیرصادقانه است.

به همین دلیل است که قانون نظامی وجود دارد: این یک چارچوب قانونی است که برای زمانی طراحی شده که زیرساخت‌های مدنی دیگر کار نمی‌کنند. قانون نظامی یک راه‌گریز نیست - این سیستم آخرین راه‌حل است وقتی جامعه در حال فروپاشی است. و حتی قانون نظامی، وقتی به درستی اعمال شود، شامل مفاد برای روند عادلانه است، هرچند در یک شکل ساده‌شده و نظامی. ممکن است شبیه یک دادگاه تلویزیونی با وکلای کت‌وشلوارپوش نباشد، اما همچنان هدفش رعایت قوانین اساسی عدالت است - به ویژه وقتی زمان، امنیت، و بقای جامعه در خطر است.

حالا این را با ریاکاری آشکار سیستم اسرائیلی مقایسه کنید. اسرائیل دهه‌هاست که به طور معمول از قانون نظامی علیه فلسطینی‌ها استفاده می‌کند، نه به این دلیل که دادگاه‌های کارآمدی ندارد، بلکه به این دلیل که قانون نظامی به دولت قدرت بیشتری می‌دهد و محدودیت‌های کمتری دارد. کودکان به دادگاه‌های نظامی کشیده می‌شوند. بازداشت‌شدگان ماه‌ها بدون محاکمه نگه داشته می‌شوند. محکومیت‌ها بدون ارائه عمومی شواهد صادر می‌شوند. استفاده اسرائیل از قانون نظامی درباره ضرورت نیست - درباره سلطه و کنترل است.

بنابراین، وقتی منتقدان ناگهان اشتیاقی برای «روند عادلانه» در غزه پیدا می‌کنند، از خود بپرسید: این نگرانی کجا بود وقتی اسرائیل قانون نظامی را بر غیرنظامیان در کرانه باختری اعمال کرد؟ وقتی اسرائیل خانه‌های فلسطینی را بدون محاکمه تخریب می‌کند، کجاست؟ وقتی بازداشت اداری برای زندانی کردن افراد به طور نامحدود بدون اتهام استفاده می‌شود؟ وقتی کودکان بدون حضور وکیل بازجویی می‌شوند؟

این درباره عدالت نیست. این درباره **خشم نمایشی** است - استفاده از زبان قانون و حقوق بشر نه برای حفاظت از آسیب‌پذیران، بلکه برای لکه‌دار کردن کسانی که تحت محاصره هستند.

به عمد رها شده‌اند

کسانی که انتخاب می‌کنند با دشمن همکاری کنند، معمولاً حفاظت یا تخلیه را در پایان جنگ مطالبه می‌کنند. این یک قانون ناگفته جاسوسی است: کسانی که خیانت می‌کنند باید خریداری شوند - نه فقط با پول، بلکه با وعده‌های نجات. مأمورانی که جان خود را در قلمرو دشمن به خطر می‌اندازند، به ندرت از روی وفاداری عمل می‌کنند؛ آنها از ترس، ناامیدی یا فرصت‌طلبی عمل می‌کنند. و تقریباً همیشه انتظار دارند که ارباب‌هایشان امنیت آنها را پس از توقف درگیری‌ها تضمین کنند.

در غزه، هنوز مشخص نیست که آیا یاسر ابو شهاب و باند «نیروهای مردمی» او هرگز چنین تضمین‌هایی از اسرائیل دریافت کرده‌اند. با این حال، آنچه به طور فزاینده‌ای محتمل به نظر می‌رسد این است که اسرائیل به قول خود عمل نکرد - یا اینکه هیچ ترتیب واقعی هرگز وجود نداشته است. گزارش‌های میدانی نشان می‌دهد که وقتی آتش‌بس اجرایی شد، این همکاران بی‌دفاع رها شدند، بدون تخلیه یا حفاظت، و با خشم جامعه‌ای که آنها را استثمار کرده بودند، روبرو شدند.

این اولین بار نخواهد بود که یک دولت قدرتمند نیروهای نیابتی محلی خود را رها می‌کند وقتی سودمندی آنها به پایان می‌رسد. همین الگو در افغانستان، عراق و ویتنام تکرار شد، جایی که مترجمان، خبرچین‌ها و شبه‌نظامیانی که به ارتش‌های خارجی خدمت می‌کردند، بعداً رها شدند، اغلب توسط جوامع خودشان به عنوان خائن شکار شدند. برای اشغالگر، چنین افرادی ابزارهای راحتی هستند - در طول کمپین ارزشمند، و وقتی هدف تغییر می‌کند، قابل صرف‌نظر.

دارایی‌های یک بار مصرف، مرگ‌های مفید

اگر اسرائیل می‌خواست، می‌توانست تخلیه‌ها را ترتیب دهد یا به آنها پناهگاه ارائه دهد، اما در این مورد به نظر می‌رسد که ارزش این افراد در مرگ بیشتر از زندگی بود. اعدام‌های آنها مفید شد - نه از نظر نظامی، بلکه از نظر روایی. با اجازه دادن به اینکه همکاران به دست حماس یا شبه‌نظامیان محلی بیفتند، اسرائیل اطمینان داد که این مردان با مجازات سریع و عمومی روبرو شوند که سپس می‌توانست به عنوان شواهد وحشیگری فلسطینی پخش شود. مأموران حسابه و رسانه‌ها از این فرصت استفاده کردند: تصاویر و ویدیوهای گرافیکی به اشتراک گذاشته شد، خشم اخلاقی تولید شد، و سوالی به صدای بلند مطرح شد - «چرا حامیان فلسطینی این را محکوم نمی‌کنند؟». این فقط رها کردن نبود. این قربانی تبلیغاتی بود.

این استراتژی از منطقی آشنا پیروی می‌کند: نمایش فلسطینی‌ها به عنوان غیرمنطقی، خشن، و ذاتاً ناتوان از حفظ ارزش‌های «متمدن» مانند محاکمات عادلانه و حقوق بشر. این به اسرائیل اجازه می‌دهد که به عنوان طرف اخلاقی‌تر ظاهر شود - حتی در حالی که به مجازات جمعی، محاصره گرسنگی، و تخریب سیستماتیک زیرساخت‌های غزه مشغول است. در این روایت، همکار یک شخص نیست. او یک ابزار صحنه، یک پیاده، و در نهایت، یک شهید برای جنگ رسانه‌ای است که در آن وحشیگری دشمن باید همیشه به نمایش گذاشته شود. زندگی او قابل صرف‌نظر است. مرگ او سرمایه سیاسی است. آنچه این تاکتیک

را به ویژه مؤثر می‌کند این است که نقش‌های قربانی و شرور را معکوس می‌کند. به جای اینکه اسرائیل مسئول شرایطی باشد که خیانت، هرج و مرج داخلی و ناامیدی را به وجود می‌آورد، می‌تواند به نتایج اجتناب‌ناپذیر خیانت به عنوان اثباتی اشاره کند که جامعه فلسطینی غیرقابل اصلاح است.

عملیات روانی در معرض دید

این صرفاً گمانه‌زنی نیست. دولت‌ها مدت‌هاست که از **عملیات روانی (سایوپس)** برای دستکاری ادراک عمومی از طریق نشست‌های کنترل‌شده، رها کردن انتخابی، و بهره‌برداری روایی استفاده می‌کنند. از سیا تا موساد، آژانس‌های اطلاعاتی می‌فهمند که جنگ دیگر فقط در زمین انجام نمی‌شود - در **ذهن‌ها**، روی صفحه‌ها و از طریق سرخط‌ها انجام می‌شود.

اجازه دادن به مرگ همکاران - و اطمینان از اینکه مرگ آنها قابل مشاهده است - چندین هدف را دنبال می‌کند:

- **ارعاب:** پیامی به دیگران در غزه که همکاری را در نظر دارند می‌فرستد - شما تنها هستید.
- **مشروعیت‌زدایی:** به اسرائیل اجازه می‌دهد مقاومت فلسطینی را به عنوان خشن و بی‌قانون به تصویر بکشد.
- **حواس‌پرتی:** توجه را از جنایات جنگی اسرائیل منحرف می‌کند با ایجاد جنجالی که فلسطینی‌ها باید از خود دفاع کنند.
- **تفرقه:** بی‌اعتمادی را در جامعه فلسطینی می‌کارد، باور را ترویج می‌دهد که هیچ‌کس حتی در میان خودشان امن نیست.

خشم انتخابی در رسانه‌های غربی

اگر پوشش رسانه‌های جریان اصلی بین‌المللی از جنگ در غزه را دنبال کنید، ممکن است فکر کنید فوری‌ترین نگرانی حقوق بشر، اعدام تعداد انگشت‌شماری از همکاران ادعایی است. این موارد - با تصاویر دراماتیک، سرخط‌های به شدت ویرایش‌شده، و اخلاق‌گرایی سخت پخش شده‌اند - بخش‌هایی از شبکه‌های خبری غربی را تسخیر کرده، رسانه‌های اجتماعی را پر کرده و بحث‌های بی‌پایانی درباره به اصطلاح «وحشیگری» جامعه فلسطینی به راه انداخته‌اند.

در همین حال، **مرگ گسترده فلسطینی‌ها** - بیش از 67,600 نفر کشته شده توسط نیروهای اسرائیلی در دو سال گذشته - با نوعی بی‌تفاوتی بوروکراتیک گزارش می‌شود. اگر اصلاً ذکر شود، به عنوان آماری در زیر سرخط‌هایی درباره گروگان‌های اسرائیلی، عملیات نظامی، یا «زیرساخت حماس» دفن می‌شود.

این تفاوت نه تنها سهل‌انگاری ویرایشی نیست - بلکه **مهندسی روایی** است.

چرا اعدام 10,6 یا حتی 20 همکار سرخط‌های بیشتری تولید می‌کند تا ده‌ها هزار مرگ غیرنظامی؟ پاسخ در این است که چگونه رسانه‌های بین‌المللی برای **انسانی‌سازی رنج اسرائیلی و جنایتکار جلوه دادن مقاومت فلسطینی** شرطی شده‌اند، در حالی که مرگ فلسطینی یا مشکوک، تصادفی یا متأسفانه «اجتناب‌ناپذیر» به تصویر کشیده می‌شود. مرگ یک فلسطینی توسط حمله موشکی اسرائیل مانند یک رویداد جوی گزارش می‌شود - غم‌انگیز، اما غیرشخصی. اما اعدام یک همکار توسط فلسطینی‌ها، **تئاتر اخلاقی** است: فرصتی برای مجریان، کارشناسان و سیاستمداران برای زیر سؤال بردن انسانیت یک ملت کامل.

این تصادفی نیست. این نتیجه دهه‌ها **غیرانسانی‌سازی**، نژادپرستی و همسویی ایدئولوژیک، مالی و سیاسی رسانه‌های غربی با روایت‌های اسرائیلی است. عدم تعادل در پوشش درباره آنچه خبری است نیست؛ درباره آن چیزی است که به ساختار قدرت غالب خدمت می‌کند.

جنجالی کردن استثنا، محو کردن هنجار

اعدام‌ها نگران‌کننده هستند و شایسته بررسی‌اند. اما در غزه، آنها **استثنا** هستند، نه قاعده. حملات هوایی اسرائیل اما **معمول** هستند، اغلب به عنوان «حملات دقیق» توصیف می‌شوند حتی وقتی کل محله‌ها را نابود می‌کنند. این حملات هزاران کودک را کشته، بیمارستان‌ها را با خاک یکسان کرده و جمعیتی را به جابجایی گسترده گرسنگی کشانده‌اند. با این حال، به نوعی **خشونت کشتار صنعتی و مورد تأیید دولت** پوشش عاطفی کمتری دریافت می‌کند تا نمایش یک خائن مظنون در خیابانی جنگ‌زده.

چرا؟ زیرا روایت همکار هدفی را دنبال می‌کند: تعصبات عمیقاً ریشه‌دار غرب را تأیید می‌کند. داستانی آرامش‌بخش می‌گوید که در آن **فلسطینی‌ها مشکل هستند**، حتی در رنج خودشان. جایی که حماس - و به تبع آن، همه فلسطینی‌ها - غیرمنطقی، انتقام‌جو و شایسته همدلی‌ای که به قربانیان دیگر جاها اعطا می‌شود، نیستند.

این روزنامه‌نگاری نیست - این **نگهداری ایدئولوژیک** است.

پایان بندی

در دو سال گذشته، داستان از **دریچه اشغالگر** روایت شده است، نه اشغال‌شدگان.

ما شاهد بودیم که همکاران - ابزارهای یک نیروی خارجی - به مرکز صحنه ارتقا یافتند در حالی که کودکان دفن‌شده در گورهای جمعی نامرئی شدند. شنیدیم که کلمه «متمدن» نه به عنوان معیاری برای رفتار، بلکه به عنوان نشان برتری نژادی و سیاسی به کار برده شد. دیدیم که فراخوان‌ها برای عدالت به ابزارهای تبلیغاتی تحریف شدند - نه برای حفاظت از آسیب‌پذیران، بلکه برای تعمیق غیرانسانی‌سازی آنها.

روایت حس‌باره به این وارونگی وابسته است. از سردرگمی تغذیه می‌کند - از این باور که استعمارشدگان باید همیشه درد، خشم و حتی وجود خود را توجیه کنند. وقتی همکاران اعدام می‌شوند، این وحشیگری است؛ وقتی غزه بمباران می‌شود، این امنیت است. وقتی فلسطینی‌ها مقاومت می‌کنند، این تروریسم است؛ وقتی بی‌صدا می‌میرند، این صلح است. نظم اخلاقی‌ای که ناتوانان را برای بقا محکوم می‌کند در حالی که قدرتمندان را برای کشتار معذور می‌دارد، اصلاً نظم اخلاقی نیست - این فیلمنامه‌ای است نوشته امپراتوری، اجرا شده توسط رسانه‌ها، و مصرف شده توسط کسانی که بیش از حد بی‌حس شده‌اند تا بازتاب خود را در ویرانه‌ها ببینند.

اعدام همکاران نشانه فروپاشی است - جهانی که در آن قانون و نظم به خاکستر بمباران شده‌اند.

آنها اثباتی بر وحشیگری فلسطینی نیستند، بلکه از **وحشیگری تحمیل‌شده بر فلسطین** هستند.

منابع

- آسوشیتد پرس. «حماس بیش از دو دوجین همکار ادعایی را در غزه اعدام کرد.» اخبار آسوشیتد پرس، 14 اکتبر 2025.
- لو موند. «حمایت مخفیانه اسرائیل از نیروهای مسلح 'نیروهای مردمی' در غزه نتیجه معکوس داد.» نسخه بین‌المللی لو موند، 10 اکتبر 2025.
- رویترز. «قبیله غزه یاسر ابو شهاب را به دلیل اتهامات غارت و همکاری طرد کرد.» رویترز، 11 اکتبر 2025.
- دی ویک (بریتانیا). «نیروهای مردمی کیستند؟ نگاهی به فروپاشی نیابتی اسرائیل در غزه.» دی ویک، 12 اکتبر 2025.
- دفتر سازمان ملل برای هماهنگی امور بشردوستانه (OCHA). گزارش تأثیرات بشردوستانه شماره 59: ارزیابی خسارات زیرساخت و اداره نوار غزه، 3 اکتبر 2025.
- دفتر حقوق بشر سازمان ملل (OHCHR). «تخریب نهادهای مدنی و قضایی غزه.» بیانیه مطبوعاتی، 25 سپتامبر 2025.
- قانون ایالات متحده عنوان 18 § 2381 – خیانت. دفتر انتشارات دولت ایالات متحده، به‌روز تا سال 2024.
- بتسلم – مرکز اطلاعات اسرائیلی برای حقوق بشر در سرزمین‌های اشغالی. نوجوانان در بازداشت نظامی: دادگاه‌های نظامی اسرائیل در کرانه باختری، به‌روزرسانی 2024.
- ادامیر – انجمن حمایت از زندانیان و حقوق بشر. آمار و گزارش حقوقی بازداشت اداری، مه 2025.
- شورای حقوق بشر سازمان ملل. گزارش کمیسیون بین‌المللی مستقل تحقیق درباره سرزمین اشغالی فلسطین، از جمله شرق اورشلیم، و اسرائیل، A/HRC/59/73، ژوئن 2025.
- آسوشیتد پرس. «وزارت بهداشت غزه: تعداد کشته‌ها به 67,600 نفر رسید.» اخبار آسوشیتد پرس، 14 اکتبر 2025.
- هاآرتص. «ارتش اسرائیل استفاده از شبه‌نظامیان محلی غزه برای جمع‌آوری اطلاعات را تأیید کرد.» نسخه انگلیسی هاآرتص، 9 اکتبر 2025.
- گروه بحران بین‌المللی. پس از آتش‌بس: تکه‌تکه شدن و انتقام در غزه، گزارش شماره 248، اکتبر 2025.
- الجزیره انگلیسی. «حماس می‌گوید قبل از اعدام‌ها به همکاران هشدار داده بود؛ اسرائیل کشتارها را محکوم کرد.» الجزیره، 15 اکتبر 2025.
- دیده‌بان حقوق بشر. اسرائیل/فلسطین: پایان دادن به مجازات جمعی در غزه. 1 اکتبر 2025.
- گزارشگران بدون مرز. روایت‌های رسانه‌ای و پوشش جنگ: غزه 2025، اکتبر 2025.